



## بررسی ساختمان سازی غیر قانونی در فقه امامیه

حسینعلی بینا<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> طلبه سطح یک حوزه،

[iran1397hossein@gmail.com](mailto:iran1397hossein@gmail.com)

عسکری محمدی<sup>۲</sup>

<sup>۲</sup> طلبه سطح سه حوزه علمیه

### چکیده

بشر از ابتدای زندگی خود در پی پیدا کردن سر پناهی برای خودش برای در امنیت ماندن خویش بود در ابتدا از غار آهسته آهسته بعدش دست به این زد که برای خودش جایی را بسازد کم کم هم به بنا کردن خانه سپس به ساخت ابعاد بزرگتر گاهی هم چند طبقه با عنوان ساختمان دست زد همزمان با پیشرفت های بشر قوانین خداوند متعال آهسته آهسته کاملتر میشدند به تبع این قوانین قانونی برای موارد مختلف گاهی به صورت جزئی و گاهی به صورت کلی برای بندگان از سمت شارع معلوم میگردد در برخی موارد هم از طریق شارع به صورت جزئی قانونی اعلام نمیشد ولی از سمت نهاد های خاص اعلام میشد یکی از قوانینی که در عصر حاضر قانون و مجموعه قوانینی پیرامونش وجود دارد در بحث ساختمان سازی میباشد که به تبع این قانون محدوده وحد و حدودی برای ساخت ساختمان در نظر گرفته شده است پس به همین خاطر ما بر این شدیم که بررسی ساختمان سازی غیر قانونی در فقه امامیه بپردازیم که هدف ما در این مقاله بررسی این بود که آیا ساختمان سازی غیر قانونی صحیح میباشد یا خیر؟ هدف های دیگر که به تبع هدف اول باید پیگیری میکردیم این بود که ایه درباره ساختمان سازی غیر قانونی میباشد یا خیر؟ در صورت نبود آیه به چه آیاتی رجوع نماییم؟ پس به این خاطر که آیه ای مستقیم به بعد ساختمان سازی غیر قانونی نبود بر این شدیم که آیاتی که درباره قانون و التزام به رعایتش سخن میگوید بپردازیم در این مقاله از روش اسنادی بهره گرفتیم که در انتها مقاله به این نتیجه میرسیم که اگر ساختمانی غیر قانونی ساخته شود این عمل صحیح نمیشد.

**کلید واژه:** ساختمان سازی، ساختمان، غیر قانونی، قانون

### مقدمه

ساخت و ساز جزئی از زندگی افراد مختلف در اعصار مختلف زندگی انسان میباشد یکی از ساخت و ساز هایی که بشر به انجام آن میپردازد ساختمان سازی میباشد که ساخت سازه ای در ابعاد ساختمان میپردازد اسلام با توجه به اینکه جلوگیری از هرج و مرج بکند و از اینکه از هرج و مرج جلوگیری قوانین را برای افراد وضع کرد به همین خاطر با توجه به اینکه این قوانین از سمت خداوند میباشد باید این قوانین را رعایت کنیم و برخی از قوانین از سمت خداوند متعال وضع شده است ولی به خاطر اینکه این قوانین هم باید مانند قوانین خداوند رعایت شود در صورتی که با قوانین خداوند متعال تعارض نداشته باشند باید به رعایت این قوانین بپردازیم به همین خاطر نگارندگان به بررسی ساختمان سازی غیر قانونی در فقه امامیه پرداختند که روش ما در این مقاله اسنادی یا کتابخانه ای میباشد که هدف ما در این مقاله این است که ساختمان سازی غیر قانونی در نگاه فقه امامیه چه میباشد آیا این ساخت و ساز در نگاه فقه امامیه صحیح میباشد یا عدم رعایت قانون صحیح نمیشد که نگارندگان در این پژوهش به این نتیجه رسیدند که عدم رعایت قانون با توجه به آیات و روایاتی که در زمینه رعایت



قانون آمده است صحیح نمیباشد و به همین ترتیب با توجه به تنقیح مناط آیات و روایات به علاوه اصالت العموم ساختمان سازی غیر قانونی صحیح نمیباشد.

### مفهوم شناسی

ساختمان سازی از دو بخش ساختمان به علاوه سازی میباشد که در ابتداء به ساختمان و سپس به سازی میپردازیم. ساختمان

ساختمان یا بنا، سازه‌ای است که برای سکونت و به عنوان سرپناه یا برای کار ساخته می‌شود که محیط را به دو بخش بیرون و درون تقسیم می‌کند (ویکی پدیا فارسی، ساختمان، برگرفته شده از لینک :

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B3%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%85%D8%A7%D9%86>

ساختمان، نوعی سازه است که با مصالحی خاص ساخته می‌شود و شامل زیر بنا، دیوار، کف، سقف، دودکش، خدمات لوله کشی و ساختمانی، سکوه‌های ثابت، ایوان، بالکن، قرنیز یا جلوآمدگی، بخشی از یک ساختمان یا هر چیز دیگری که به آن وصل شده یا هر دیوار محصور که یک زمین یا فضا را از سازه مشابه مجزا می‌کند، می‌باشد. خانه‌ها، کارخانه‌ها، مراکز خرید، بیمارستان‌ها و غیره از انواع ساختمان‌ها هستند. (پرشین سازه، ساختمان، برگرفته شده از لینک: <https://www.persiansaze.com/articles/%D8%B3%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%85%D8%A7%D9%86-%DA%86%DB%8C%D8%B3%D8%AA-%D9%87%D8%B1-%D8%A2%D9%86%DA%86%D9%87-%D8%AF%D8%B1%D8%A8%D8%A7%D8%B1%D9%87-%D8%B3%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%85%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D8%A7%DB%8C%D8%AF-%D8%A8%D8%AF%D8%A7%D9%86%DB%8C%D8%AF>

سازی یعنی: سازی جزو دوم کلمات، مرکب از: ساز (نعت فاعلی مرخم) و ی (حاصل مصدر) است. این کلمه اکثر به اسم ذات پیوندد و حاصل مصدر سازد بمعنی سازندگی، بناکردن یا بعمل آوردن و استحصال و درست کردن چیزی، و عمل و حرفه و شغل سازنده آن میباشد. (دهخدا، علی اکبر، ج ۹، ص ۱۳۲۸)

### غیر قانونی

از کلمه غیر وقانونی تشکیل شده است.

غیر در لغت نامه عمید به این صورت آمده است که: جز، سواء، مگر، به معنی دیگر کس، کس دیگر، بیگانه آمده است. (عمید ص ۷۸۱) و اینکه در لغت نامه‌های عربی نیز به این صورت آمده است که الغیر ج أَعْيَارُ [غیر]: دیگری، دیگران. (بستانی، فواد افرام، ص ۶۴۸) کلمه غیر گاهی بمعنی «لا» و نفی صرف آید که در آن اثبات نیست مثل وَ هُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ زخرف: ۱۸. یعنی او در احتجاج فصیح نیست که تقدیر «لا مبین» است.

گاهی برای اثبات است بمعنی «آلا» مثل هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرِزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ فاطر: ۳. که بمعنی «آلا الله» است.

«غیر» دائم الاضافه است در معنی و گاهی در صورت معلوم بودن معنی در لفظ مقطوع الاضافه آید و آن بواسطه اضافه معرفه نمیشود که توغل در ابهام دارد. از اقرب الموارد فهمیده میشود اصل آن بمعنی «سوی» است ما لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ: سوای او برای شما معبودی نیست. (قرشی، علی اکبر، ج ۵؛ ص ۱۳۸) غَيْرٌ: کلمه یستثنی بها. (أبو بکر محمد بن الحسن بن درید الأزدي؛ ج ۲؛ ص ۷۸۳)



غَيْرٌ: يَكُونُ اسْتِثْنَاءً (صاحب، اسماعیل بن عباد، ج ۵؛ ص ۱۲۶)

غیر: کلمه استثناء (حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم، ج ۸، ص ۵۰۳۷)

غَيْرٌ يُقَالُ عَلَى أَوْجِهٍ:

الأول: أن تكون للنفي المجرد من غير إثبات معنى به، نحو: مررت برجل غير قائم، أي: لا قائم، قال: وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ

بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ (القصص، ۵۰)، وَ هُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرٌ مُبِينٍ (الزخرف، ۱۸)

الثاني: بمعنى (إلّا) فيستثنى به، و توصف به التكره، نحو: مررت بقوم غير زيد. أي: إلّا زيدا، و قال: ما عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إلهٍ غَيْرِي

[القصص / ۳۸]، و قال: ما لَكُمْ مِنْ إلهٍ غَيْرُهُ\* (الأعراف، ۵۹)، هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ (فاطر، ۳)

الثالث: لنفي صورة من غير مادتها (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ص ۶۱۸)

غَيْرٌ بر چند وجه گفته می شود:

اول این است که برای نفی مجرد و مطلق باشد بدون اثبات کردن معنایی در چیزی به وسیله آن مثل عبارت مررت برجل غیر

قائم - یعنی به مردی که ایستاده نبود گذشتم، در آیات:

وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ (قصص، ۵۰) وَ هُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرٌ مُبِينٍ (۱۸، زخرف)

(راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ج ۲، ص: ۷۲۹ ص ۷۲۷)

غَيْرٌ من حروف المعانی، تكون نعتاً و تكون بمعنی لا، و له باب علی جده. و قوله: ما لَكُمْ لا تَنَاصِرُونَ؛ المعنی ما لکم غیر مُتَنَاصِرِينَ.

و قولهم: لا إله غيرك، مرفوع علی خبر التبرئة، قال: و يجوز لا إله غيرك بالنصب أي لا إله إلّا أنت، قال: و كَلِّمَ أَهْلَ الْبَيْتِ غَيْرًا مَحَلًّا

إِلَّا نَصَبْتَهَا، و أجاز الفراء: ما جاءني غيرك علی معنی ما جاءني إلّا أنت؛ و أنشد: لا عَيْبَ فِيهَا غَيْرُ شَهْلَةَ عَيْنِهَا

و قيل: غير بمعنی سوي، و الجمع أغيار، و هي كلمة يوصف بها و يستثنى، فإن وصفت بها أتبعتها إعراب ما قبلها، و إن استثنى

(ابن منظور، محمد بن مكرم، ج ۵، ص ۳۹)

حال پس از بررسی غیر به بررسی معنای قانون میپردازیم که به این صورت میباشد:

واژه «قانون» معرب کلمه انگلیسی Canon، میباشد که اگر بخواهیم به عنوان ریشه این کلمه را تعیین نماییم؛ در اصل سریانی

یا یونانی است که پس از انتقال به لغت عرب، در معنای اندازه، مقیاس اشیاء و قضیه کلی که بیانگر یک رشته جزئیات است و

نیز به معنای اصل هر چیز به کار رفته است. این کلمه مجازاً به معنای قاعده و دستور می باشد.

قانون در اصطلاح علوم مختلف، معانی متفاوت دارد؛ همانند قوانین طبیعی، قوانین فلسفی، قوانین فیزیکی و قوانین ریاضی که

هر یک به گونه ای خاص تعریف شده اند. قانون در اصطلاح حقوق اساسی، قضایایی است که شیوه رفتار انسان را در زندگی

اجتماعی تعیین می کند، به این معنی که انسانها در زندگی فردی و اجتماعی باید چنین کنند و چنین نکنند... بنابراین، قانون

ضوابط و اصول کلی معینی است که از طرف یک منبع دارای قدرت و اعتبار اجتماعی، مقرر می شود و در آن برای همه کسانی

که در قلمرو آن منبع قدرت زندگی می کنند، تکالیف، حقوق و مسؤولیتهایی معین گردد که همگان، قوی یا ضعیف، به رعایت

آن ملزم باشند و به عواقب تخلف از آن گردن نهند. (محمد پادشاه، محمد دبیرسیاقی، ج ۴، ص ۳۳۰۴؛ لنگرودی، محمد جعفر

جعفری، ص ۵۱۸ و ۵۱۷)

همچنین در تعریف قانون می توان گفت: قانون به نوعی تعیین کننده مرزهای مختلف در موارد مختلف میباشد که این گاهها به

وسیله عرف جامعه است گاهها هم به وسیله قانونی میباشد که افراد در اعصار مختلف برای افراد مختلف جامعه وضع مینمایند.

قانون را اینگونه نیز آورده اند که قانون مجموعه ای از قواعد است که اگر افراد جامعه خود را با آن تطبیق دهند، علی رغم وجود

انبوه انسانها با گرایشها و سلیقه های متفاوت و گاه متضاد، هر کس در محدوده حقوق خویش عمل می کند و اصطکاک و رویارویی

مستقیم، به وجود نمی آید. (رضا حق پناه، اندیشه حوزه ۱۳۷۷ شماره ۱۴)

آیات



همانطور که میدانیم خداوند متعال قرآن را نازل کرد تا انسان‌ها که به تدریج به جوامع و طبقات مختلف تقسیم شدند که بین آنها اختلافات و تضادهایی پیدا شد را دارای یک قانون واحد و حول محور یک سری قوانین و مقررات صریح، کامل، جامع، افراد و مانع اغیار در بیاورد؛ تا این جوامع تحت تاثیر این قوانین و موارد به انجام کارهای خویش بپردازند پس باتوجه به همین بعد قضیه و همین محوریت به آیاتی می‌پردازیم که نشان دهنده یا اینکه اشاره به این دارد که باید از قانون رعایت کنیم و اینکه اگر بخواهیم برای آنچه که بیان کردیم مویدی بیاوریم میتوان آیه ۲۱۳ سوره بقره را به عنوان موید و تایید کننده در نظر بگیریم.

نساء ۱۰۵

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا (نساء ۱۰۵)

ترجمه

(ای پیغمبر) ما قرآن را به حق به سوی تو فرستادیم تا به آنچه خدا (به وحی خود) بر تو پدید آورده میان مردم حکم کنی، و نباید به نفع خیانتکاران (با مؤمنان) به خصومت برخیزی.

تفسیر آیه

تفسیر نور

- ۱- قرآن، پایه‌ی قضاوت و عدالت میان مردم است. «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ»
- ۲- قاضی باید از قانون قرآن، آگاهی کامل داشته باشد. «أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ لِتَحْكُمَ»
- ۳- فراگیری قرآن و سنت شرط قاضی شدن است. «أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ ... لِتَحْكُمَ ... أَرَاكَ اللَّهُ»
- ۴- چون نزول قرآن بر اساس حق است، قضاوت‌ها هم باید بر مبنای حق باشد، نه وابستگی‌های حزبی، گروهی، منطقه‌ای و نژادی. «بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ»
- ۵- رفتار به عدالت، حتی نسبت به غیر مسلمانان هم ضروری است. (با توجه به شأن نزول دوم) لِتَحْكُمَ ... بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ
- ۶- قضاوت، از شئون انبیاست. تنها ابلاغ احکام کافی نیست، اجرای احکام نیز وظیفه است. «لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ»
- ۷- کفر اشخاص، دلیل تهمت به آنان نمی‌شود. (با توجه به شأن نزول)
- ۸- پیامبر، علاوه بر قانون و کتاب، از امدادهای الهی برخوردار است. «أَرَاكَ اللَّهُ»
- ۹- خداوند علاوه بر قرآن برنامه‌های دیگری به پیامبرش نشان داد. «أَرَاكَ اللَّهُ» و نفمود: «لتحکم بین الناس به»
- ۱۰- خداوند، پیامبرش را حفظ می‌کند و توطئه‌ها و صحنه‌سازی‌ها را فاش می‌سازد. «أَرَاكَ اللَّهُ»
- ۱۱- قانون محترم است، ولی برای جلوگیری از سوء استفاده‌ها باید چاره‌ای جست. در اینجا، امداد الهی چاره‌ی کار شد. «بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ»
- ۱۲- دفاع و حمایت از خائن ممنوع است. «وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا»
- ۱۳- خائن نباید امیدی به حمایت رهبران دینی داشته باشند. «وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا»
- ۱۴- قضاوت، مقامی است که متصدی آن، اگر معصوم هم باشد باز استغفار می‌طلبد. «وَأَسْتَغْفِرِ اللَّهَ»
- ۱۵- از افتخارات اسلام این است که حتی اگر به یک یهودی ظلم شود، شخص اول اسلام برای مسلمانانی که سوء قصدی داشته‌اند باید استغفار کند. «وَأَسْتَغْفِرِ اللَّهَ»
- ۱۶- اگر قرآن، ساخته و پرداخته‌ی خود پیامبر بود، هرگز آیاتش فرمان استغفار به رسول خدا نمی‌داد. «وَأَسْتَغْفِرِ اللَّهَ»
- ۱۷- قاضی باید همواره برای دوری از هوای نفس استغفار کند. «أَسْتَغْفِرِ اللَّهَ» (قرآنی، محسن، ج ۲، ص ۱۵۳ و ۱۵۴)

بقره ۲۱۳



كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (بقره ۲۱۳)

ترجمه

مردم (در آغاز) یک دسته بودند؛ (و تضادی در میان آنها وجود نداشت. بتدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آنها پیدا شد، در این حال) خداوند، پیامبران را برانگیخت؛ تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی، که به سوی حق دعوت می‌کرد، با آنها نازل نمود؛ تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند. (افراد باایمان، در آن اختلاف نکردند؛) تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند، و نشانه‌های روشن به آنها رسیده بود، به خاطر انحراف از حق و ستمگری، در آن اختلاف کردند. خداوند، آنها را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به فرمان خودش، رهبری نمود. (اما افراد بی‌ایمان، همچنان در گمراهی و اختلاف، باقی ماندند.) و خدا، هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می‌کند.

تفسیر ایه در تفسیر نور به این صورت است که:

- ۱- قانون و تمدن‌های بشری، قادر بر حل اختلافات نیستند. زیرا هر گروه و فردی بدنبال خواست‌های خود است. حل اختلافات باید از طریق قانون الهی و داوری انبیا صورت گیرد. قانونی که مصون از تحریف و خطاست و داوری که از هوا و هوس و اغراض نفسانی معصوم است. «فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ ... مَعَهُمُ الْكِتَابَ»
  - ۲- بهترین راه حل اختلاف، تقویت ایمان به معاد است. انبیا برای پیشگیری از اختلافات، از بشارت و برای درمان آنها، از انذار استفاده می‌کنند. «مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ ... لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ»
  - ۳- خطوط کلی اهداف انبیا یکی است. «النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ»
  - ۴- داوری انبیا، در چارچوب قوانین آسمانی است. «أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ ... لِيَحْكُمَ»
  - ۵- یکی از وظایف انبیا، ایجاد وحدت و تفرقه‌زدایی است. «لِيَحْكُمَ ... فِيَمَا اخْتَلَفُوا» (قرآنی، محسن، ج ۱، ص ۳۳۰)
- استاد مشکینی معتقدند که بعد از شکل گرفتن ساختمان وجودی انسان و قبل از انتخاب «آدم» از بین افراد انسانی، مرحله‌ای بر انسان گذشته است که همه امت واحدی بودند و بدون مذهب زندگی خود را در پرتو عقل خویش می‌گذراندند. ایشان دو آیه فوق را اشاره به این مرحله از حیات بشری می‌داند و می‌نویسد:
- چنانکه از ظاهر آیه معلوم می‌شود، پیش از بعثت انبیا زمانی بر انسانها گذشته است که آنها امت واحدی بودند و مفهوم واحد بودن مردم در آیه فوق چنانکه عده‌ای از مفسرین گفته‌اند و اخبار و روایات هم آن را تفسیر کرده‌اند، این است که بدون «مذهب» و احکام آسمانی بودند و با عقل‌ها، اندیشه‌ها و فهم‌های خودشان زندگی می‌کردند.
- پس آیه کاملاً با منظور ما (مرحله دوم از خلقت آدم در نظریه تکامل) منطبق است.
- سپس واژه اول «اختلاف» را در آیه به معنای اختلافات مادی و دنیوی و تضادهای طبقاتی پیش از بعثت پیامبران معنا می‌کند. و واژه دوم اختلاف (در ادامه آیه) را به معنای اختلافات دینی و اعتقادی بعد از بعثت انبیا معنا می‌کند.
- استاد مکارم شیرازی نیز از آیه ۲۱۳ سوره بقره چهار مرحله زندگی بشر را برداشت کرده‌اند:
- مرحله اول: زندگی ساده نخستین که هنوز بشر به زندگی اجتماعی عادت نکرده بود، تضادهائی نبود و طبق فطرت خدا را می‌پرستید.

مرحله دوم: زندگی انسان شکل اجتماعی به خود می‌گیرد.

مرحله سوم: تضادها و اختلافات اجتناب‌ناپذیر اجتماعی به وقوع می‌پیوندد.

مرحله چهارم: انبیا از طرف خدا مأمور نجات انسان می‌شوند.



و در پایان متذکر می‌شوند که: آغاز پیدایش دین و مذهب به معنای واقعی هم زمان با آغاز پیدایش انسان نبوده، بلکه هم زمان با آغاز پیدایش اجتماع و جامعه به معنای واقعی بوده است. بنابراین جای تعجب نیست که نخستین پیغمبر اولوالعزم و صاحب آئین و شریعت، نوح پیامبر بود نه حضرت آدم (ع) بوده باشد.

بررسی

از آیات فوق دو برداشت می‌توان کرد:

الف: زندگی انسان پس از پیدایش در کره زمین دو مرحله داشته است یک مرحله بدون هیچ پیامبری بوده و بعد «آدم» از بین مردم برانگیخته شد. و زندگی انسان با دین و پیامبران آغاز شد. پس آدم اولین انسان روی زمین نبوده است. (و این با نظریه تکامل داروین سازگار است) ب: بعثت انبیاء دو گونه بوده است در مرحله اولیه بعد از خلقت آدم و گسترش نسل او پیامبران بدون کتاب و شریعت بودند که بشر را در حد زندگی اولیه فردی او راهنمایی می‌کردند.

در مرحله دوم که زندگی اجتماعی شروع شد و بشر محتاج قانون شد، پیامبرانی مثل حضرت نوح (ع) با شریعت و کتاب آمدند. بنا بر برداشت دوم از آیه، آدم اولین انسان روی زمین بوده است (و این با نظریه ثبات انواع سازگار است) استاد مشکینی برداشت اول (الف) را داشته‌اند و آنچه که از ذیل کلام استاد مکارم برمی‌آید برداشت دوم (ب) است. با توجه به دو احتمال فوق در آیه نمی‌توان به صورت قطعی یکی از دو نظریه تکامل یا ثبات انواع را به آیه فوق نسبت داد. (رضایی اصفهانی، محمدعلی ص: ۲۶۹، ۲۶۸)

نساء ۶۵

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (نساء، ۶۵)

ترجمه آیه به این صورت می‌باشد که: به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن حقیقی نخواهند بود، مگر آنکه تو را در آنچه میان خود نزاع و اختلاف دارند به داوری بپذیرند؛ سپس از حکمی که کرده‌ای در وجودشان هیچ دل‌تنگی و ناخشنودی احساس نکنند، و به طور کامل تسلیم شوند.

گرچه شان نزول خاصی در بالا برای آیه فوق نقل شد ولی همانطور که بارها گفته‌ایم شان نزولهای خاص هیچگاه با عمومیت مفهوم آیه منافات ندارد، و به همین دلیل این آیه می‌تواند مکمل بحث آیات قبل نیز بوده باشد. در این آیه خداوند سوگند یاد کرده که افراد، ایمان واقعی در صورتی خواهند داشت که پیامبر ص را در اختلافات خود به داوری بطلبند و به بیگانگان مراجعه نمایند (فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ) سپس می‌فرماید: "نه فقط به داوری را به نزد تو آورند بلکه هنگامی که تو در میان آنها حکمی کردی، خواه به سود آنها باشد یا به زیان آنها، علاوه بر اینکه اعتراض نکنند در دل خود نیز احساس ناراحتی نمایند و کاملاً تسلیم باشند" (ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا).

گرچه ناراحتی درونی از قضاوتهایی که احیاناً به زیان انسان است غالباً اختیاری نیست، ولی با تربیتهای اخلاقی و پرورش روح تسلیم در برابر حق و عدالت و توجه به موقعیت واقعی پیامبر ص حالتی در انسان پیدا می‌شود که هیچگاه از داوری پیامبر ص و حتی دانشمندانی که جانشینان او هستند هرگز ناراحت نخواهد شد، و به هر حال مسلمانان واقعی موظفند روح تسلیم در برابر حق را در خود پرورش دهند. (مکارم شیرازی، ناصر، ج ۳، ۴۵۵ و ۴۵۴)

نور ۴۸

وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ (نور ۴۸)

ترجمه

و هر گاه به سوی خدا و رسول خوانده شوند تا (رسول به حکم خدا) میان آنها قضاوت کند گروهی از ایشان (از این دعوت) اعراض می‌کنند.



#### تفسیر

سیاق آیه شهادت می دهد بر اینکه آیات درباره بعضی از منافقین نازل شده که با بعضی دیگر مرافعه ای داشته اند و آن طرف پیشنهاد کرده که نزد رسول خدا (ص) روند و هر چه او در میان آن دو حکم کرد قبول کنند، و منافق مزبور زیر بار نرفته، و این آیات در این خصوص نازل شده.

با اینکه رسول خدا (ص) در میان مردم به حکم خدا حکم می کرد، هم چنان که قرآن کریم در این باره فرموده: «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ» (۱).

پس حکم، یک نسبت به رسول خدا (ص) دارد که نسبت مباشرت است، و نسبتی هم به خدای سبحان دارد که جزء شریعت او است و او است که پیغمبر را برای حکم و قضاء منصوب نموده.

با این بیان روشن می شود که مراد از دعوت به سوی خدا، برای اینکه در میان آنان حکم کند، عبارت است از دعوت به متابعت و پیروی آنچه شرع او در مورد نزاع اقتضاء دارد و مراد از دعوت به سوی رسول او تا در میان مردم حکم کند، عبارت است از دعوت به متابعت آنچه او به مباشرت حکم می کند.

و نیز ظاهر امر این است که ضمیر در "لیحکم" به رسول بر می گردد، و اگر ضمیر را مفرد آورد (تا حکم کند) و تشنیه نیاورد (تا او و خدا حکم کنند)، اشاره به این است که حکم رسول حکم خدا است. (طباطبائی، سیدمحمدحسین، ج ۱۵، ص ۲۰۳)

نور ۴۹

وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ

ترجمه

ولی اگر حق داشته باشند (و داوری به نفع آنان شود) با سرعت و تسلیم بسوی او می آیند!

تفسیر

۲- داوری و قضاوت از شئون انبیا می باشد. «لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ»

۳- حکم پیامبر، همان حکم خداوند است. ( «لِيَحْكُمَ» مفرد آمده، نه تشنیه) (قرائتی، محسن، ج ۶، ص ۲۲۱)

وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ اذعان به معنای انقیاد و اطاعت است و ظاهر سیاق آیه مخصوصاً جمله "يَأْتُوا إِلَيْهِ" این است که مراد از "حق" حکم پیغمبر است. زیرا حکم حقی است که از پیامبر جدا نمی شود و معنی آیه چنین می شود. و اگر حق که همان حکم پیامبر است به نفع آنان "منافقین" باشد نه به ضررشان می آیند به سوی این حکم در حالی که منقاد و مطیع می باشند پس برگشت نمی کنند از او مگر وقتی که علیه آنان باشد. و لازمه این معنی این است که آنان تبعیت می کنند هوای خود را و قصد ندارند که اطاعت حق کنند (طباطبائی، سیدمحمدحسین، ج ۱۵، ص ۲۰۳)

اگر بخواهیم کمی آیه را تبیین نماییم میتوان این گونه در نظر بگیریم که باید قانونی باشد تا از آن تبعیت کرد در پی این تبعیت داور می آید پس مقدمه هر داوری وجود یک قانون میباشد.

شوری ۱۵

فَلِذَلِكَ فَادَعُ وَاَسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبَّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

ترجمه

پس به همین خاطر تو نیز آنان را به سوی این آیین واحد الهی دعوت کن و آنچنان که مأمور شده ای استقامت نما، و از هوای و هوسهای آنان پیروی مکن، و بگو: «به هر کتابی که خدا نازل کرده ایمان آورده ام و مأمورم در میان شما عدالت کنم؛ خداوند پروردگار ما و شماست؛ نتیجه اعمال ما از آن ما است و نتیجه اعمال شما از آن شما، خصومت شخصی در میان ما نیست؛ و خداوند ما و شما را در یکجا جمع می کند، و بازگشت (همه) به سوی اوست!»

تفسیر



فَلِذَلِكَ فَادُعُ: پس به جهت این تفرق و اختلاف که از ایشان صادر گشته، پس بخوان مردمان را به اتفاق و ائتلاف بر ملت حقیقی که دین اسلام است تا تفرق و اختلاف و شک از آنها زایل گردد، وَ اسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ: و پایداری و استقامت نما بر دعوت نبوت و تبلیغ شریعت چنانچه امر شده‌ای به آن، یعنی عمل به مقتضای امر الهی نما، یا مردمان را بر توحید و اخلاص ترغیب نما و بر دین حق ثابت قدم باش، وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ: و پیروی مکن هواهای مختلفه و آرزوهای باطله ایشان را.

در تبیان: ولید بن مغیره به حضرت گفت: از این دعوت خود برگرد تا نصف مال خود را به تو بخشم. شبیه گفت: اگر برگردی دختر خود را به حباله تو در آورم؛ آیه شریفه نازل که پیروی آرزوهای آنها مکن. محققا حضرت متابعت نمی‌نمود، پس نهی به جهت تأکید یا خطاب به حضرت و مراد، امت باشند،

وَ قُلْ أَمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ: و بگو ایمان آورده‌ام به آنچه نازل فرموده خدای تعالی، مِنْ كِتَابٍ: از جنس کتاب، یعنی به کتابی که بر من و بر انبیای گذشته نازل شده ایمان آورده‌ام. مراد آنکه به کفار بگو من به تمام کتب آسمانی ایمان دارم به خلاف شما که به بعضی ایمان آورید و به بعضی کافر شوید. وَ أَمَرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ: و امر شده‌ام به آنکه عدل نمایم میان شما یعنی جمیع اشراف و اراذل را به دین حق و توحید خوانم و اصلا از تبلیغ دعوت و ادای احکام شریعت انحراف نوزم. (حسین حسینی شاه عبدالعظیمی ج ۱۱، ص: ۴۰۸ و ۴۰۷)

باتوجه به اینکه قرآن کتاب آسمانی است آنچه که قرآن و بقیه کتب آسمانی را در صورتی که تحریف نشده بودند از بسیاری از کتاب‌های بشری جدا میکند این است که هم جامع است و در ادامه این ویژگی را دارا می‌باشد که این کتاب به انسان‌ها از هر دسته که باشی برایت قانونی خاصی را تعیین مینماید

نساء ۱۶۳

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا

ترجمه

ما به تو وحی کردیم چنانکه به نوح و پیغمبران بعد از او و همچنین به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (فرزندان یعقوب) و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی نمودیم و به داود هم زبور عطا کردیم.

تفسیر

قانون‌گرایی در همه ادیان به وسیله قرآن

۱. وحی و نبوت، یک جریان و سنت خلل‌ناپذیر در تاریخ انسان است. أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَ... (قرآنی، محسن، ج ۲، ص ۲۱۲)

باتوجه به اینکه بسیاری از قوانین زندگی افراد در اعصار مختلف وضعی می‌باشند باید به این چیز توجه کرد که در همه وحی‌هایی که به پیامبران از سمت خدا شده بود اهداف آشکار یا به عبارت دیگر بارزی وجود داشت که یکی از این اهداف ایجاد قانون یا بیان قانون برای افراد مختلف در اعصار مختلف بود پس به تبع اینکه یک سری قانون‌هایی برای افراد تبیین می‌شود باید تبعیت و انجام آن در پی این قوانین صورت بگیرد.

جائیه ۲۰

هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهَدًى وَرَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ

ترجمه

این [قرآن و آیین] وسایل بینایی و بصیرت برای مردم و سراسر هدایت و رحمت برای گروهی است که [حقایق را] باور دارند.

تفسیر

۹- قرآن در تمام زمینه‌های فکری، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و ... وسیله بصیرت است. ( «بصائر» به صورت جمع آمده است) (قرآنی، محسن، ج ۸، ص ۵۲۸)





در آخرین آیه مورد بحث به عنوان تاکید بر آنچه گذشت و دعوت به پیروی از این آئین الهی می‌گوید: " این قرآن و شریعت وسیله بینایی و مایه هدایت و رحمت برای مردمی است که اهل یقین هستند" (هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ). " بصائر" جمع " بصیرت" به معنی بینایی است، هر چند این واژه بیشتر در مورد بینشهای فکری و عقلی استعمال می‌شود، ولی گاه به تمام اموری که مایه درک و فهم مطلب است اطلاق می‌گردد.

جالب اینکه می‌گوید " این قرآن و شریعت بیناییهایی است " یعنی عین بینایی است، آنهم نه یک بینایی که بینائیها، نه در یک بعد که در همه ابعاد زندگی به انسان بینش صحیح می‌دهد. (مکارم شیرازی، ناصر، ج ۲۱، ص ۲۵۶)

باتوجه به اینکه در این آیه قرآن را وسیله بینایی و هدایت و رحمت در نظر گرفت پس باید قرآن را در جایگاه کتاب قانون در کنار بقیه جنبه‌هایی که دارد در نظر بگیریم و به همین خاطر همچنان از دیگر ویژگی‌هایش استفاده مینماییم از جنبه قانونی قرآن هم استفاده نماییم و باید باتوجه به اینکه قوانین صحیح باعث پیشرفت انسانها در کمال وزندگی میشود باید از قانون قرآن تبعیت نماییم.

اسراء ۹

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا

ترجمه

همانا این قرآن (خلق را) به راست و استوارترین طریقه هدایت می‌کند و اهل ایمان را که نیکوکار باشند به اجر و ثواب بزرگ بشارت می‌دهد.

تفسیر

نکته‌ها

جملهی «يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ» را دو گونه می‌توان معنا کرد:

الف: قرآن به پایدارترین شیوه هدایت می‌کند.

ب: قرآن استوارترین ملت‌ها و امت‌ها را هدایت می‌کند.

پیام‌ها

۱- خرافات و اوهام در منطق استوار قرآن راه ندارد. «يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ»

۲- قرآن تنها کتابی است که قوانین ابدی و ثابت دارد. «يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ» (قرائتی، محسن، ج ۵، ص: ۲۶)

قرآن هدایت‌گر است زیرا یکی از جنبه‌هایش یا به عبارت دیگر یکی از ابعادش بعد قانونی میباشد و در صورتی که میخواهیم هدایت بشویم باید از قوانین قرآن تبعیت کنیم پس به وسیله همین استدلال باید از قانون تبعیت کنیم زیرا تمامی قوانین ما برگرفته از فقه امامیه میباشد و فقه امامیه هم یکی از منابع معتبرش و در صدرش کتاب یا به عبارت دیگر قرآن میباشد. آنچه که در تمامی آیات متوجه میشویم این است که همه آیات به این موضوع پرداختند که باید از قوانین وحکمی که در قرآن آمده است و پیامبر امر فرمودند عمل کنند

روایات

روایاتی که در این باره است یا تقاریری که از سمت پیامبر موجود میباشد اکثرا درباره حکومتی است

«حَدَّثَنَا فِي الْأَرْضِ أَرْكَى مِنْ عِبَادَةِ سِتِينَ سَنَةً» (ابن شعبه حرّانی، ص ۲۱۴)

- «إِقَامَةُ حَدِّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ مَطْرِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً فِي بِلَادِ اللَّهِ» (محمّدی ری‌شهری، محمد، ص ۱۲۸)

آن حضرت از شفاعت کردن در برداشتن حدود الهی (قوانین جزایی و کیفری اسلام) به شدت نهی می‌کرد و این کار را موجب عذاب و عقاب خداوند در جهان آخرت می‌دانست:

«أَنَّهُ نَهَى عَنِ الشَّفَاعَةِ فِي الْحُدُودِ وَقَالَ: مَنْ شَفَعَ فِي حَدٍّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ لِيُبْطَلَهُ وَ سَعَى فِي إِطْلَالِ حُدُودِ اللَّهِ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (محمّدبن یعقوب کلینی، ج ۷، ص ۱۹۱)



رسول گرامی افراط و تفریط در اجرای قانون را برنمی‌تافت. از آن حضرت روایت شده است که فرمودند: روز قیامت حاکمی را می‌آورند که هنگام اجرای حدود الهی، یک تازیانه کمتر از حد معین شده زده است. در مقام بازخواست، می‌گوید: خدایا به خاطر رحمت بر بنده تو این کار را کردم. به او جواب داده می‌شود که آیا تو نسبت به بندگان من مهربان‌تر از من هستی؟ سپس امر می‌کند وی را به آتش بیفکنند. شخص دیگری را می‌آورند که یک تازیانه زیادتر زده است و در مقام بازخواست می‌گوید: خدایا، به خاطر بازداشتن از معاصی تو چنین کردم. دستور داده می‌شود وی را نیز به آتش بیفکنند. (نوری، میرزا حسین نوری، ج ۱۸، ص ۷)

و نیز از آن حضرت روایت شده است که فرمودند: «أتقی الناس من قال الحق فیما له و علیه»؛ پرهیزگارتین مردم کسی است که حق را بگوید، چه به نفع وی باشد و چه به ضرر وی. (شیخ صدوق، ج ۲۷، ص ۴)

از این احادیث و احادیث دیگر، جایگاه و منزلت بالای قانون در نگاه پیامبر به خوبی روشن می‌شود. از امام صادق (ع) روایت شده است که وقتی آیه زکات نازل شد، چون یکی از مصارف زکات (عاملین علیها) (یعنی کسانی که به امر جمع‌آوری زکات می‌پردازند) می‌باشد، عده‌ای از بنی‌هاشم خدمت پیامبر آمدند و تقاضا نمودند که به خاطر خویشاوندی جمع‌آوری زکات را به آنان واگذار نماید تا در نتیجه، سهمی از زکات از آنان باشد. پیامبر فرمودند: «صدقه و زکات بر من و بر بنی‌هاشم حرام است.» در ادامه فرمودند: «آیا گمان می‌کنید من شما را بر دیگران ترجیح می‌دهم؟» (کلینی، محمدبن یعقوب، ج ۴، ص ۵۸)

قانون‌مداری پیامبر(ص)

زنی از اشراف دزدی کرده بود. عده‌ای وساطت کردند. پیامبر(ص) فرمود: «اگر دخترم فاطمه هم دزدی کرده بود، دستش را قطع می‌کردم.»

مهمترین هدف قوانین بشری ایجاد فضای امنیت و آرامش برای شهروندان است. انسان امروزی به خوبی می‌داند مهمترین موهبتی که در پرتو رعایت قانون نصیب انسان می‌شود امنیت، رفاه و آسایش، احقاق حقوق و عدالت و جلوگیری از ظلم است. امروزه در جوامع موضوع امنیت را نوعی نعمت اجتماعی می‌پندارند. به گونه‌ای که امنیت نعمتی است که تمام حکومتها برای تحقق آن تلاش می‌کنند. امروزه جوامعی پیشرفته محسوب می‌شوند که بتوانند فضای امن تری را برای شهروندان خود فراهم کنند. یک شهروند حتی اگر بخواهد مؤمن و مسلمان خوبی باشد باید در زندگی اجتماعی خود احساس امنیت کند. در اقتصاد و معیشت ایمن باشد. نگران و مضطرب نباشند. ظلم و اجحاف از جامعه دور و عدل و احسان در آن جامعه جایگزین شود. امام در پیام هشت ماده ای می‌فرماید:

«باید ملت از این پس که حال استقرار و سازندگی است احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده خاطر و مطمئن از همه جهات به کارهای خویش ادامه دهند، و اسلام بزرگ و دولت اسلامی را پشتیبان خود بدانند، و قوه قضاییه را در دادخواهی‌ها و اجرای عدل و حدود اسلامی در خدمت خود ببینند، و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها را موجب آسایش و امنیت خود و کشور خود بدانند. و این امور بر عهده همگان است.» (صحیفه امام؛ ج ۱۷، ص ۱۴۱)

امام می‌فرمود: برخورد‌های فراقانونی ممنوع. معمار انقلاب اسلامی همیشه کوشیده است تا به مسئولین و ضابطین و مردم بیاموزد تا سعادت بشر در گرو رعایت قوانین الهی و قوانین جاری کشور است. یکی از دغدغه‌های اساسی جمهوری اسلامی برخورد‌های "فراقانونی" است که سهم بزرگی در خلق بی‌اعتمادی مردمی دارد. به زعم تحلیلگران مسائل اجتماعی برخورد‌های فراقانونی صرف نظر از تبعات بین‌المللی، در شاخص‌های داخلی نیز موجب بروز مشکلات زیادی می‌شود. این موضوع علاوه بر تمهیدات قانونی موجود در قانون اساسی جمهوری اسلامی، در پیام هشت ماده ای امام که یکی از جامع‌ترین منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران است، بیان شده است. به اذعان یاران و شاگردان امام، کرامت انسانی در منظر امام از مهمترین مسائل مورد توجه ایشان بوده و همواره تأکید می‌کردند مسئولان کاری بکنند که مردم احساس کنند جانشان و مال شان و



حیثیت آنها در امان است. (پرتال امام، [http://www.imam-khomeini.ir/fa/n21224/%D8%B3%D8%B1%D9%88%DB%8C%D8%B3%D9%87%D8%A7%DB%8C%D8%A7%D8%B7%D9%84%D8%A7%D8%B9%D8%B1%D8%B3%D8%A7%D9%86%DB%8C/%D9%86%DA%AF%D8%A7%D9%87%D8%B1%D9%88%D8%B2/%D9%87%D8%AF%D9%81%D9%85%D8%A7%D8%A7%D8%B2%D8%B1%D8%B9%D8%A7%DB%8C%D8%AA%\(D9%82%D8%A7%D9%86%D9%88%D9%86%DA%86%DB%8C%D8%B3%D8%AA%D8%9F](http://www.imam-khomeini.ir/fa/n21224/%D8%B3%D8%B1%D9%88%DB%8C%D8%B3%D9%87%D8%A7%DB%8C%D8%A7%D8%B7%D9%84%D8%A7%D8%B9%D8%B1%D8%B3%D8%A7%D9%86%DB%8C/%D9%86%DA%AF%D8%A7%D9%87%D8%B1%D9%88%D8%B2/%D9%87%D8%AF%D9%81%D9%85%D8%A7%D8%A7%D8%B2%D8%B1%D8%B9%D8%A7%DB%8C%D8%AA%(D9%82%D8%A7%D9%86%D9%88%D9%86%DA%86%DB%8C%D8%B3%D8%AA%D8%9F))

### مراجع

قوانین دولت اسلامی و حکم شرعی  
حکم کلی: مخالفت با قوانین و مقررات و دستورات دولت اسلامی که به‌طور مستقیم توسط مجلس شورای اسلامی وضع شده و مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته‌اند یا با استناد به اجازه قانونی نهادهای مربوطه وضع شده‌اند، برای هیچ‌کس جایز نیست (فرقی در کم و زیاد و کوچک و بزرگ بودن آن نیست) و در صورت مخالفت با این قوانین و مقررات و دستوراتی توسط یک نفر، بر دیگران تذکر و راهنمایی و نهی از منکر لازم است (البته با وجود شرایط نهی از منکر).  
نکته: تقریباً همه مراجع تقلید غیر از مرحوم آیت‌الله بهجت و آیت‌الله سیستانی مخالفت با قوانین و مقررات و دستوراتی که در حکم کلی گفته شد را جایز نمی‌دانند.  
مرحوم آیت‌الله بهجت: در موارد مختلف حکم تفاوت می‌کند.  
آیت‌الله سیستانی: مخالفت با قوانینی که نظم اجتماعی را برهم می‌زند یا حداقل یک مجتهد جامع شرایط آن را تصویب کرده، جایز نیست. خلاف قانون خلاف شرع

<https://www.hamshahrionline.ir/news/362191/%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%81-%D9%82%D8%A7%D9%86%D9%88%D9%86-%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%81-%D8%B4%D8%B1%D8%B9>

### نتیجه

با توجه به آنچه که نگارندگان جمع‌آوری نمودند اعم از آیات متعدد، روایات، فتاوا، مراجع، پیامبر که همگی از قوانین موجود که قوانینی صحیح بودند و پشتوانه صحیح داشتند رعایت میکردند و به‌طور صریح در آیات قرآن به این تصریح شده است که باید از کتاب خداوند پیروی کنید و با توجه به اینکه در کتاب خداوند قرآن میباشد و قرآن مبتنی بر قوانین میباشد پس به همین علت که باید از قوانین در قرآن پیروی کنیم به همین علت باید از قوانینی که از قرآن گرفته شده است هم عمل نماییم و اینکه به تبعش باید از قوانین صحیحی که وجود دارد؛ سرپیچی نکرده و عمل نماییم به تبع آنچه که بیان شد باید از قانون منع ساختمان سازی غیر قانونی تبعیت نماییم و در صورت ساختمان سازی غیر قانونی این عمل صحیح نمیشود و نباید به این کار دست بزنیم.

### منابع

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، بی تا، بی جا، بی نا
۲. عمید، حسن، فرهنگ فارسی جیبی، راه رشد، ۱۳۸۹
۳. بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۷۵ ه.ش. فرهنگ ابجدی
۴. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن - تهران، چاپ: ششم، ۱۳۷۱ ه.ش



۵. صاحب، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۴ هـ.ق
۶. حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم - دمشق، چاپ: اول، ۱۴۲۰ هـ.ق. شمس العلوم
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن - بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۲ هـ.ق
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب - بیروت، چاپ: سوم، ۱۴۱۴ هـ.ق
۹. رضا حق پناه، اندیشه حوزه ۱۳۷۷ شماره ۱۴
۱۰. قرائتی، محسن، تفسیر نور، وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۷۴ هـ.ش، بی جا
۱۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص: ۲۰۳، ترجمه تفسیر المیزان
۱۲. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنی عشری، تهران، انتشارات میقات، ۱۳۶۳ هـ.ش، چاپ اول
۱۳. ابن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول، ج پنجم، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۳۹۴، ص ۲۱۴.
۱۴. محمد محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، چ سوم، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۱،
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، گلگشت، ۱۳۷۷ هـ.ش
۱۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی، کتاب مبین، رشت ایران، ۱۳۸۱ هـ.ش
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، طهران، ۱۳۵۳
۱۸. شیخ صدوق، الامالی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا، بی جا
۱۹. أبوبکر محمد بن الحسن بن درید الأزدی، محقق: رمزی منیر بعلبکی، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۹۸۷ م
۲۰. محمد پادشاه، محمد دبیرسیاقی، فرهنگ آندراج، بی تا، بی جا، بی نا
۲۱. محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ایران، تهران، گنج دانش، ۱۳۴۶ هـ.ش
۲۲. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، چ دوم، بیروت، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹
۲۳. محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۰

۲۴. [http://www.imam-](http://www.imam-khomeini.ir/fa/n21224/%D8%B3%D8%B1%D9%88%DB%8C%D8%B3_%D9%87%D8%A7%DB%8C_%D8%A7%D8%B7%D9%84%D8%A7%D8%B9_%D8%B1%D8%B3%D8%A7%D9%86%DB%8C/%D9%86%DA%AF%D8%A7%D9%87_%D8%B1%D9%88%D8%B2/%D9%87%D8%AF%D9%81_%D9%85%D8%A7_%D8%A7%D8%B2_%D8%B1%D8%B9%D8%A7%DB%8C%D8%AA_%D9%82%D8%A7%D9%86%D9%88%D9%86_%DA%86%DB%8C%D8%B3%D8%AA%D8%9F)

[khomeini.ir/fa/n21224/%D8%B3%D8%B1%D9%88%DB%8C%D8%B3\\_%D9%87%D8%A7%DB%8C\\_%D8%A7%D8%B7%D9%84%D8%A7%D8%B9\\_%D8%B1%D8%B3%D8%A7%D9%86%DB%8C/%D9%86%DA%AF%D8%A7%D9%87\\_%D8%B1%D9%88%D8%B2/%D9%87%D8%AF%D9%81\\_%D9%85%D8%A7\\_%D8%A7%D8%B2\\_%D8%B1%D8%B9%D8%A7%DB%8C%D8%AA\\_%D9%82%D8%A7%D9%86%D9%88%D9%86\\_%DA%86%DB%8C%D8%B3%D8%AA%D8%9F](http://www.imam-khomeini.ir/fa/n21224/%D8%B3%D8%B1%D9%88%DB%8C%D8%B3_%D9%87%D8%A7%DB%8C_%D8%A7%D8%B7%D9%84%D8%A7%D8%B9_%D8%B1%D8%B3%D8%A7%D9%86%DB%8C/%D9%86%DA%AF%D8%A7%D9%87_%D8%B1%D9%88%D8%B2/%D9%87%D8%AF%D9%81_%D9%85%D8%A7_%D8%A7%D8%B2_%D8%B1%D8%B9%D8%A7%DB%8C%D8%AA_%D9%82%D8%A7%D9%86%D9%88%D9%86_%DA%86%DB%8C%D8%B3%D8%AA%D8%9F)

۲۵. [https://www.hamshahrionline.ir/news/362191/%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%81-](https://www.hamshahrionline.ir/news/362191/%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%81-%D9%82%D8%A7%D9%86%D9%88%D9%86-%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%81-%D8%B4%D8%B1%D8%B9)

[-D9%82%D8%A7%D9%86%D9%88%D9%86-%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%81-%D8%B4%D8%B1%D8%B9](https://www.hamshahrionline.ir/news/362191/%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%81-%D9%82%D8%A7%D9%86%D9%88%D9%86-%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%81-%D8%B4%D8%B1%D8%B9)

۲۶. <https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B3%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%85%D8%A7%D9%86>

۲۷. [https://www.persiansaze.com/articles/%D8%B3%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%85%D8%A7%D9%86-](https://www.persiansaze.com/articles/%D8%B3%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%85%D8%A7%D9%86-%DA%86%DB%8C%D8%B3%D8%AA-%D9%87%D8%B1-%D8%A2%D9%86%DA%86%D9%87-%D8%AF%D8%B1%D8%A8%D8%A7%D8%B1%D9%87-%D8%B3%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%85%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D8%A7%DB%8C%D8%AF-%D8%A8%D8%AF%D8%A7%D9%86%DB%8C%D8%AF)

[7%D9%86-%DA%86%DB%8C%D8%B3%D8%AA-%D9%87%D8%B1-%D8%A2%D9%86%DA%86%D9%87-%D8%AF%D8%B1%D8%A8%D8%A7%D8%B1%D9%87-%D8%B3%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%85%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D8%A7%DB%8C%D8%AF-%D8%A8%D8%AF%D8%A7%D9%86%DB%8C%D8%AF](https://www.persiansaze.com/articles/%D8%B3%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%85%D8%A7%D9%86-%DA%86%DB%8C%D8%B3%D8%AA-%D9%87%D8%B1-%D8%A2%D9%86%DA%86%D9%87-%D8%AF%D8%B1%D8%A8%D8%A7%D8%B1%D9%87-%D8%B3%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%85%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D8%A7%DB%8C%D8%AF-%D8%A8%D8%AF%D8%A7%D9%86%DB%8C%D8%AF)